



Theosophical-Philosophical Foundation of Iranian Art

Volume 3 / Issue 1 / pages 13-30 / e-ISSN: 2980-7875 / p-ISSN: 2981-2356

Original Research

10.30486/PIA.2024.2001377.1076



A Cultural Analysis on Motifs of Tombstones of Golestan Province Cemeteries with Anthropology of Art Approach¹ (Case study: Bandar-e-Gaz, Habibollah Imamzadeh Cemetery)

Fatemeh Raghimi¹, MohammadAli Khabari², Mohammad Aref³

1-Comparative and Analytical History of Islamic Art Group, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2-Assistant professor of art research group, Jahad University, Tehran, Iran (Corresponding author).

3-Associate professor of theatre group, central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Among the truly prominent components of ritual arts, one can point to tombstones, whose engraved motifs reflect the locals' ideology, culture, and worldview, providing a wide lens through which we can see the personality of the deceased and the social, economic, and cultural status of the related groups or nationalities. This article aims to analyze the motifs engraved on the tombstones of Habibollah Shrine (Bandar-e-Gaz, Golestan province) from a cultural point of view, considering that society is their creator. For this purpose, among the 10 cemeteries of Golestan province that were studied, the Habibollah Imamzadeh Cemetery in Bandar-e-Gaz was selected as a case study due to the number of gravestones and variety of motifs. This article tries to answer the following question: How can the semantic, aesthetic, and functional characteristics of these gravestone motifs be discovered through the Anthropology of Art approach based on findings on local culture? The research method is descriptive-analytical, with field observations and library studies conducted for data collection. Among the findings, one highlights the interpretation of three important dimensions of the motifs: semantic, aesthetic, and functional. Based on the cultural study, these motifs represent customs, beliefs, and various levels of society's culture.

Key Words: Anthropology of Art, Culture, Habibollah Shrine, Motifs, Tombstones.

Received: 2024-01-25

Accepted: 2024-06-01

ma.khabari@gmail.com

¹ This article is taken from PhD thesis of the first author, under the guidance of the second author and the consultation of the third author, entitled "Cultural Analysis of Islamic Tombstone Patterns in Golestan Province with a focus on Howard Murphy's views" at Islamic Azad University, Central Tehran Branch.



بازشناسی و تحلیل فرهنگی نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان از منظر انسان‌شناسی هنر (نمونه موردی: قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز)^۱

فاطمه رقیمی^۱، محمدعلی خبری^۲، محمدعارف^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه پژوهش هنر، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار گروه نمایش، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

یکی از قابل لمس‌ترین بخش‌های هنر آیینی، سنگ‌قبرهاست که نقوش حک شده بر آن‌ها نحوه تفکر، فرهنگ و جهان‌بینی مردم منطقه را بازتاب می‌دهد و زمینه مناسبی را برای نمایاندن افکار و نقوش نمادین فراهم می‌نماید. هدف این مقاله، تحلیل نقوش سنگ‌قبرهای قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، واقع در استان گلستان، از دیدگاه فرهنگ جامعه آفریننده آن است؛ با توجه به هدف، از بین ۱۰ قبرستان استان گلستان که مورد مطالعه قرار گرفت، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، به دلیل تعداد سنگ‌قبرها و تنوع در نقوش، به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان بر اساس یافته‌های مبتنی بر فرهنگ مردم منطقه به ویژگی‌های معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی نقوش سنگ‌قبرها از منظر انسان‌شناسی هنر، پی برد. با توجه به این رویکرد، در این مقاله، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و مشاهده‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای به عنوان روش گردآوری مطالب می‌باشد؛ از نتایج حاصل می‌توان به تفسیر سه بُعد مهم معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی این نقوش اشاره نمود که در قالب شاخصه‌هایی، همچون بازنمایی و شکل و کارکرد، معنا پیدا می‌کند. این نقوش بر اساس مطالعه فرهنگی، باز نمود آداب و رسوم، اعتقادات و باورها و به‌طور کلی باز نمود سطوح مختلفی از فرهنگ جامعه هستند.

واژگان کلیدی: امامزاده حبیب‌الله، انسان‌شناسی هنر، سنگ‌قبرها، فرهنگ، نقوش.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله مقطع دکتری نویسنده اول و به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم با عنوان «تحلیل فرهنگی نقوش سنگ‌قبرهای اسلامی استان گلستان با تمرکز بر آراء هوارد مورفی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می‌باشد.

۱- مقدمه و بیان مسئله

از ابتدای هستی تاکنون، یکی از اساسی‌ترین تفکرات آدمی را مسأله مرگ و جهان پس از آن، تشکیل داده‌است و یکی از اجزای جدانشدنی این تفکر در همه جوامع که همچون ابزاری اساسی برای نموده‌های عینی و معنوی آن به‌کاررفته، قبر، سنگ‌قبر و نقوش حک شده بر آن‌ها است. با بررسی این یادمان‌های تاریخی، علاوه بر مشخص نمودن شخصیت فرد متوفی و فرهنگ و آداب و رسوم و اعتقادات مردم منطقه و موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر قوم یا سرزمین، شرایط مطالعه نقوش رایج در هر دوره نیز، فراهم می‌شود. توجه به انواع نگرش آیینی، مذهبی و تأثیرپذیری از آداب و سنت‌ها، مشخص می‌سازد که منشاء طراحی نقوش، مبتنی بر بینش اساطیر ایران باستان و نگرش‌های دینی پس از اسلام است و این عوامل بر شکل‌گیری آیین‌ها و اجرای سنت‌های مردمی، اثر گذاشته و هنرمندان عامیانه، معادل تصویری آن‌ها را در دست‌ساخته‌ها، به‌ویژه در سنگ‌قبرها ترسیم نموده‌اند؛ برای اساس، حجاران این سنگ‌قبرها، نه تنها تقلید صرف از طبیعت نکرده‌اند؛ بلکه با پردازش و نمادپردازی، به بیانی ویژه دست‌یافته‌اند.

از آنجایی که سنگ‌قبر با زندگی مردم و آفرینندگان خود ارتباط دارد و به‌عنوان یک هنر مردمی، شناخته می‌شود، اهمیت و ضرورت بررسی نقوش قبور، علاوه بر دستیابی به ویژگی‌های نقوش حک شده بر سنگ‌قبرهای موجود دوره اسلامی بر اساس فرهنگ بومی منطقه، به تصویر کشاندن میراثی معنوی، فرهنگی و هنری است. در مقاله حاضر، پژوهشگران با هدف فهم معنای فرهنگی نقوش با روش انسان‌شناسی هنر، به مطالعه و شناسایی نقوش به‌کاررفته در سنگ‌قبرهای اسلامی موجود در امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندر گز، واقع در استان گلستان و ارتباط آن‌ها با عوامل مؤثری چون فرهنگ، اندیشه‌ها، باورها و آداب و رسوم مردم این منطقه می‌پردازد؛ چراکه آثار هنری در سایه درک مشخص از اندیشه سازندگان آن‌ها معنا پیدا می‌کند؛ با توجه به هدف پژوهش، از بین ۱۰ قبرستان استان گلستان که مورد مطالعه و بررسی قرارگرفت، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، به دلیل تعداد بیشتر سنگ‌قبرها و تنوع در نقوش، به‌عنوان نمونه موردی، انتخاب شده‌است.

بر اساس نقوش ایجادشده، می‌توان گفت که هیچ فرهنگ شناخته‌شده‌ای، بدون هنر یا بدون هر نوع فعالیت زیبایی‌شناختی وجود ندارد؛ این تجربه عمومی بشر به عنوان موضوع مورد بررسی در انسان‌شناسی هنر، مورد توجه قرار گرفته‌است. شیء هنری از دیدگاه انسان‌شناسی، «شیء‌ای است که دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و یا معناشناختی باشد؛ (اما در بیشتر مواقع، هر دو را داراست) که برای اهداف نمایاندن یا بازنمایی استفاده می‌شود» (Morphy, Perkins, 2006:12).

بنابراین، هنر در درجه اول به کارکرد معناشناختی و زیبایی‌شناختی و سپس به کارکرد بازنمایی هنر اشاره می‌کند و از آنجایی که حوزه طرح و نقش سنگ‌قبرها با بعد معناشناختی و زیبایی‌شناختی، رابطه نزدیکی دارد؛ بنابراین با استفاده از رویکرد انسان‌شناسی هنر به‌عنوان یکی از حوزه‌های بینارشته‌ای، می‌توان سنگ‌قبرهای موجود در این منطقه را بررسی نمود.

پژوهشگران برای رسیدن به پاسخ این پرسش که نقوش به‌کاررفته از منظر انسان‌شناسی هنر، دارای چه شاخصه‌هایی می‌باشند و چگونه می‌توان بر اساس یافته‌های مبتنی بر فرهنگ مردم منطقه به ویژگی‌های معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی این نقوش پی برد، هریک از نقوش را از لحاظ ویژگی‌های شکلی توصیف و بررسی نموده و با تمرکز بر این موارد، به درک معنای نهفته در ورای نقوش می‌پردازد.

۲- روش پژوهش

ماهیت کلی این پژوهش از نوع کیفی است. مقاله حاضر را که با هدف بررسی معنای فرهنگی نقوش موجود در سنگ‌قبرهای منطقه استان گلستان از منظر انسان‌شناسی هنر انجام شد، می‌توان جزء تحقیقات بنیادی به‌شمار آورد. از نظر روش نیز این پژوهش، تفسیری می‌باشد. جامعه مورد پژوهش در این مقاله، ۱۰ قبرستان استان که مربوط به دوره تیموری تا قاجاری هستند و به لحاظ کیفیت نقوش، قابلیت نمونه‌گیری را دارا بودند انتخاب شدند که عبارتند از آق امام گنبد، امامزاده الاژمن فاضل‌آباد، آهنگر محله، زیارت، دانشمند

آتا، آق امام بندرترکمن، امامزاده حبیب‌الله بندرگز، رادکان، امامزاده عبدالله گرگان و محله سرچشمه گرگان. از بین این قبرستان‌ها، قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز به دلیل تعداد سنگ‌قبرها و تنوع در نقوش، به‌عنوان نمونه موردی، انتخاب شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند صورت گرفته‌است. در نمونه‌گیری هدفمند، ابتدا سنگ‌قبرهای سالم و قابل بررسی انتخاب و سپس نقوش سنگ‌قبرهایی که به لحاظ تاریخی، هنری و بصری قابل مطالعه و تحلیل بودند، گزینش شدند و براساس رویکرد انسان‌شناسی هنر به تحلیل فرهنگی آن‌ها پرداخته‌شد.

روش گردآوری داده‌ها، به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی، منابع معتبر اینترنتی و حضور در میدان پژوهش می‌باشد. برای گردآوری داده‌های این پژوهش ابتدا از طریق مشاهده، تصویربرداری از سنگ‌قبرهای به‌جای مانده صورت گرفت و سپس سنگ‌قبرهای سالم با نقوش خوانا و ارزش هنری بیشتر جهت مطالعه انتخاب و برخی داده‌های مورد نیاز نیز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای حاصل شد.

۳- ادبیات پژوهش (مبانی نظری و پیشینه پژوهش)

۳-۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با سنت تدفین، آرامگاه‌سازی، سنگ‌قبرها و مطالعه نقوش حک شده بر روی آن‌ها، پژوهش‌هایی ارزشمند از پژوهشگران در قالب‌های مختلف، صورت گرفته‌است؛ به‌عنوان مثال، حکمت در پایان نامه خود به راهنمایی سامانیان تحت‌عنوان «بررسی تطبیقی عناصر تصویری سنگ‌مزارهای آرامستان تخت فولاد اصفهان در دوره‌های صفویه، زند، قاجار و پهلوی با رویکرد جامعه‌شناختی» (۱۳۸۹) با بررسی عناصر تصویری نقوش و سنگ‌نوشته‌ها، اوضاع اجتماعی و هنر در سه دوره صفویه، پهلوی و قاجار، توانسته به تحلیلی جامعه‌شناختی دست یابد. جمالی در پایان نامه «بررسی مردم‌شناختی نمادها، نشانه‌ها و تمثیلات موجود بر سنگ‌قبرهای تهران» (۱۳۹۲) به راهنمایی عارف، به مطالعه و بررسی سنگ‌قبرهای دو قبرستان ظهیرالدوله و ابن بابویه از منظر انسان‌شناختی-باستان‌شناختی در استان تهران پرداخته‌است. خسرونژاد در مقاله‌ای تحت‌عنوان «سنگ‌های مزار از پنجره مردم‌شناسی هنر» (۱۳۷۷)، ابتدا از دیدی مردم‌شناسانه به مقوله سنگ‌قبر می‌پردازد و در ادامه، ساختار انواع سنگ‌قبر و نحوه حجاری آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن ارائه‌شده، درواقع الگویی مقدماتی برای پژوهشگرانی است که بخواهند از دیدگاه هنر، سنگ‌قبرها را بررسی کنند. «نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبر قبرستان تخت فولاد اصفهان» (۱۳۹۳) عنوان مقاله‌ای است که توسط گروهی از پژوهشگران به نام‌های صفی‌خانی، احمدپناه و خدادادی منتشر شده‌است. این پژوهش در روند شناسایی تزئینات، به طبقه‌بندی گونه‌های نقوش در قالب اشکال گیاهی، انسانی، حیوانی و اشیاء پرداخته‌است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که نقوش صرفاً جنبه تزئینی نداشته و علاوه بر اشاره مستقیم به مفاهیم، سندی است که ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی دوره‌های مختلف را آشکار می‌سازد. تمرکز این مقاله به نقوشی چون شیر و ماهی، نشان از اهمیت این نقوش در میان باورهای انسانی دارد.

در رابطه با قبرستان‌ها و سنگ‌قبرهای استان گلستان نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است که نمونه‌هایی از آن‌ها عبارتند از: مقاله‌ای باعنوان «بررسی و تحلیل سنگ‌افراشته‌های گورستان خالد نبی» (۱۳۹۴) که سعیدی رامیانی در آن به بیان اعتقادات و عقاید مردم بومی منطقه و تأثیر آن بر روی نقوشی که در این سنگ‌ها به‌کاررفته، پرداخته‌است. شایسته‌فر در مقاله‌ای باعنوان «تزئینات کتیبه‌ای سنگ‌قبرهای شیخ صفی و تطبیق آن با نهارخوران گرگان» (۱۳۸۸) به مطالعه تطبیقی نقوش و تزئینات سنگ‌قبرهای این دو قبرستان پرداخته و تأثیر فرهنگ و مذهب دوره صفویه بر روی کتیبه‌نگارهای این دو قبرستان را مورد بررسی قرار داده‌است. نگارندگان پژوهش حاضر، مقاله دیگری نیز باعنوان «مطالعه نشانه‌شناسی جنسیت زن در سنگ‌قبرهای استان گلستان» (۱۴۰۲) نگاشته‌اند که در آن به نشانه‌شناسی نقوش مرتبط با زنان بر روی سنگ‌قبرهای استان گلستان براساس الگوی سندرس پیرس پرداخته‌اند. آنچه ذکر شد، بخشی از آثار منتشرشده در حوزه مرتبط با موضوع مقاله بود. با تمام جستجوهای که در منابع داخلی و خارجی در پژوهش‌های انجام‌شده، صورت گرفت، فقط معرفی و تحلیل انواع نقوش حک شده بر سنگ‌قبرها و توصیف ظاهری آن‌ها آمده‌است و هیچ‌گونه پژوهشی که

در رابطه با سنگ‌قبرها و تحلیل فرهنگی نقوش آن‌ها از منظر انسان‌شناسی هنر باشد، یافت‌نشده. به همین دلیل، بررسی فرهنگی سنگ‌قبرها و نقوش حک شده بر آن‌ها به طور خاص، حلقه مفقوده پژوهش‌های نامبرده است که ضرورت شکل‌گیری این پژوهش را موجب شده است؛ از این رو این پژوهش را نخست به دلیل مطالعه فرهنگی سنگ‌قبرهای منطقه استان گلستان و دوم به دلیل رویکرد انسان‌شناسی آن، می‌توان اثری متمایز از آثار پیشین دانست. اثر پیش‌رو می‌کوشد، تا از طریق رویکرد انسان‌شناسی هنر، به تفسیرها و تحلیل‌های فرهنگی مرتبط با فرم، کارکرد و بازنمایی نقوش در راستای محورهای زیبایی‌شناختی، کارکردشناختی و معناشناختی اشاره نماید.

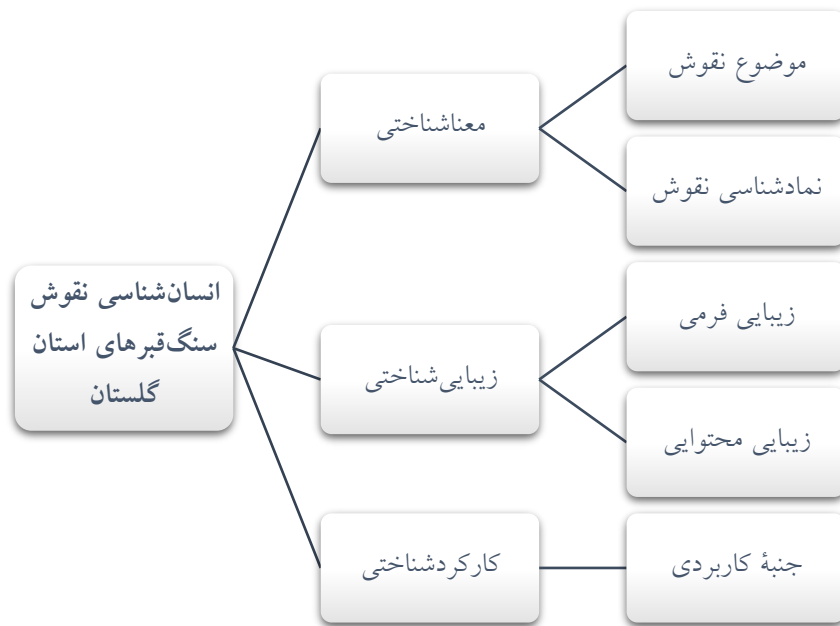
۲-۳- مبانی نظری

انسان‌شناسی هنر، شاخه‌ای از انسان‌شناسی است که به فهم هنر از دیدگاه فرهنگ آفریننده‌اش می‌پردازد. نشان دادن اینکه اشیای هنری چگونه در فرهنگ یک جامعه خاص تولید می‌شوند و چه کارکردی برای آن فرهنگ دارند، وظیفه یک انسان‌شناس است. «اصل عمومی که باید قضیه محوری انسان‌شناسی هنر باشد، عبارت است از اینکه، فهم اهمیت اثر نیاز به قرارداد آن در گسترده‌ترین زمینه ممکن است. فهم تأثیر یا اهمیت فوری اثر، بدون فهم زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی تولید آن کافی و ممکن نیست» (Morphy, Perkins, 2006: 15-17). «آثاری جزء آثار هنری هستند که ویژگی‌های معناشناختی و زیبایی‌شناختی دارند و برای نمایاندن یا بازنمایی به کار می‌روند. با توجه به انسان‌شناسی هنر، آثار هنری از سه بُعد اصلی معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی تحلیل می‌شوند» (Morphy, 1994: 655).

از دیدگاه معناشناختی، آثار هنری ابزارهایی هستند که معنا را رمزگذاری یا چیزی را بازنمایی می‌کنند و یا معنای خاصی به وجود می‌آورند. از دیدگاه زیبایی‌شناختی، آثار هنری در ارتباط با اثر زیباشناختی یا خصوصیات بیانی‌شان تحلیل می‌شوند و از دیدگاه کارکردشناختی، اثر هنری به عنوان یک کالا از لحاظ کاربرد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در بُعد معناشناختی، هنر همچون نظامی معناشناختی تصویر می‌شود که با استفاده از دال‌های دیداری به دنبال انتقال مدلول‌ها یا مفاهیم مختلف است؛ در این پژوهش اینکه نقوش چگونه و چه معنایی می‌دهند، مورد توجه است. در انسان‌شناسی، برای دست‌یافتن به معنای نمادهای هنری، لازم است، شکل، در زمینه فرهنگی خود، مورد توجه قرار گیرد.

«همچنین به صورت متقابل برای درک فرهنگ که مجموعه‌ای از معانی است و از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود، باید ابتدا به تحلیل نمادهای فرهنگی و هنری پرداخته شود» (فکوهی، ۱۴۰۰: ۲۵۴). نمادهای هنری به‌ویژه در مناسک، ناقل معنایی هستند که از هنرمند به مخاطب منتقل می‌شود و با این انتقال، بین هنرمند و شیء هنری و مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. دغدغه اصلی انسان‌شناس، زیبایی‌شناسی شیء در زمینه فرهنگ تولیدکننده است. انسان‌شناسی هنر با این دیدگاه که هنر یک محصول فرهنگی است، از فرهنگ در تمامی ابعاد آن به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند؛ پس با مطالعه هنر می‌توان به شناخت فرهنگ جامعه آفریننده دست‌یافت و از طرفی بررسی فرهنگ می‌تواند به فهم بهتر معنا و مفاهیم اشیاء و آثار هنری نیز بیانجامد. در این پژوهش تلاش شد، ابعاد گوناگون معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی نقوش سنگ‌قبرهای استان گلستان، در جامعه تولیدکنندگان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (تصویر ۱).



تصویر ۱. فرآیند تحلیل انسان‌شناسی نقوش سنگ قبرهای استان گلستان (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۴- یافته‌های پژوهش (بحث و تحلیل)

در ۵۰ کیلومتری غرب شهرستان گرگان، شهرستان بندرگز و روستای لیوان واقع شده است. در ۱۰ کیلومتری غرب بندرگز کنونی، گنبدی وجود دارد که مردمان منطقه، آن را امامزاده حبیب‌الله می‌نامند. مسیری که از جاده اصلی به سمت شمال و به این مکان ادامه می‌یابد حدود ۲ کیلومتر است. این بقعه به همراه قبرستان وسیع در دورتادور آن، در محیطی مشجر قرار گرفته است. در سطح قبرستان، سنگ قبرهای قدیمی را می‌توان در بین سنگ قبرهای جدید، مشاهده کرد. «این سنگ قبرها، متعلق به طوایف و تیره‌های مختلف مردم روستاهای اطراف نیز، هستند که از گذشته دور اموات خود را در این قبرستان دفن می‌کردند؛ به طور کلی، طوایف اصیل و شاخص این روستاها در قسمت اصلی و قدیمی قبرستان، یعنی سمت غرب و نیز از شمال غرب تا جنوب غرب، مدفون هستند؛ علاوه بر این، یک پراکندگی عمده هم در دفن مردگان در تمام جهت‌های قبرستان می‌توان مشاهده کرد که علت آن را بومیان منطقه به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر طاعون (یا وبا) در اوایل دوره قاجاریه در این منطقه می‌دانند که باعث مرگ بسیاری شد و مجبور شدند مردگان خود را بدون رعایت محدوده طایفگی در نقاط مختلف قبرستان به خاک بسپارند» (معطوفی، ۱۳۸۷: ۸۹۲) (تصویر ۲).



تصویر ۲. موقعیت مکانی و نمای کلی از امامزاده حبیب‌الله و قبرستان تاریخی آن در شهرستان بندرگز (نگارندگان، ۱۴۰۱)

۱-۴- تجزیه و تحلیل فرهنگی نقوش سنگ قبرها براساس رویکرد انسان‌شناسی هنر

با تعمق در نشانه‌های تصویری سنگ قبرهای تاریخی امامزاده حبیب‌الله، واقع در استان گلستان، پی برده می‌شود که فرهنگ مردمی و باورهای عامیانه آن‌ها، در شکل‌گیری تصاویر، نقش به‌سزایی داشته‌اند. تأکید هنرمند عامیانه، همواره بر اندیشه جمعی استوار است و این ویژگی از خصوصیات هنر قومی به حساب می‌آید. در ادامه نقوش سنگ قبرهای این قبرستان براساس رویکرد انسان‌شناسی هنر از سه دیدگاه معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت:

• تحلیل معناشناختی

کشف معنا و دنیای معانی، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در مطالعات انسان‌شناسی هنر بوده و اساس مطالعات در بُعد معناشناختی، متکی بر پیوند فرم، معنا و کارکرد آن در یک جامعه است. در تحلیل معناشناختی نقوش، باید علاوه بر نظام‌های بازنمودی در جریان شکل‌گیری معنا، به زمینه‌ها نیز، توجه داشت. حجاران منطقه، هنرمندانی هستند که سنگ قبر و نقوش حک شده بر آن‌ها به‌عنوان زمینه‌ای مناسب جهت بیان افکار و اعتقادات خود انتخاب کرده‌اند که بازتابی از دریافت‌های فردی و فرهنگی آن‌ها به‌شمار می‌آیند. با در نظر گرفتن نقوش حک شده بر سنگ قبرها، به تشریح ویژگی‌ها و مفاهیم نهفته در هر ک از نقوش که در عین سادگی بسیار زیبا هستند و نوع طبیعت منطقه و آداب و رسوم مردم آن و روحیات و ذهنیات هنرمند حجار را بیان می‌کنند، پرداخته می‌شود. با توجه به کارکرد هنر عامیانه در سنگ قبرهای تاریخی این منطقه، نقوش این سنگ قبرها را از جهت موضوع و محتوا به چند دسته اصلی گیاهی، حیوانی، انسانی، ابزار و وسایل، نقوش هندسی، انتزاعی و نمادین، و کتیبه‌نگاری می‌توان تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به تحلیل هریک از نقوش پرداخته می‌شود:

۱- نقش گیاهی

نقوش گیاهی یکی از قدیمی‌ترین نقوش مورد علاقه انسان بوده که در تمام دست‌ساخته‌هایش می‌توان آن را مشاهده نمود. خاصیت شفا بخشی و درمانگری گیاهان، به آن‌ها جنبه حیات‌بخشی داده‌است که از این نظر هم، مورد احترام و توجه بوده‌اند؛ از این رو، انواع نقش مایه‌های گیاهی در سنگ قبرها مشاهده می‌شود. جذابیت‌های بصری نقش گل و تنوع آن، ذهن هنرمند حجار را به نقش آفرینی صور نمادین انواع گل‌ها و گیاهان کشانده و از کنار هم قراردادن آن‌ها، ترکیب‌بندی گسترده‌ای از انواع نقوش گل و گیاه را آفریده‌است. وجود گل‌ها و درختان متنوع در منطقه استان گلستان، ذهن هنرمند حجار را بر آن داشته تا به نقش آفرینی آنان پردازد.

بین انواع نقوش گیاهی، نقش گل چند پر و درخت سرو به‌صورت ایستاده و خمیده، از رایج‌ترین نقوش است. درخت سرو در فرهنگ و هنر ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد و با اساطیر، نمادهای مقدس و آیین‌های مختلف همراه بوده‌است. «سرو مانند دیگر درختان همیشه سبز، نماد جاودانگی، یعنی حیات پس از مرگ است و به همین علت در کنار قبرها مشاهده می‌شود. این درخت مربوط به امور تدفینی بود که بدن را پس از مرگ از فساد حفظ می‌کرد و چون آن‌را قطع می‌کردند، می‌مُرد و شاخ و برگ سیاه آن، نماد مرگ به‌شمار می‌آمد؛ همچنین بر روی یادمان‌های میراثی هم حضور داشت که تعداد هفت سرو نشان از هفت سیاره‌ای بود که روح در سفر خود به سوی آسمان‌ها از آن‌ها می‌گذرد» (هال، ۱۳۹۸: ۲۹۳). «برای مسلمانان شیعه، درخت که از خاک و آب تغذیه می‌کند و از آسمان هفتم می‌گذرد، نشانه حقیقت است؛ یعنی بازگشت به مرحله ازلی و جایی که عارف به حقیقت غایی می‌رسد. تقدس درخت از این جهت است که قائم است، رشد می‌کند، برگ‌هایش را از دست می‌دهد و دوباره آن‌ها را به‌دست می‌آورد. زنده شدن، مردن، و دوباره حیات یافتن» (شوالیه و گربران، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

شکل‌گیری این نقش بر روی سنگ قبرها، متأثر از طبیعت پیرامون هنرمند بومی بوده‌است که در اثر کاربرد مداوم به مرور زمان از صورت طبیعی خود که در ذهن هنرمند و حتی بیننده وجود داشته، خارج شده و به‌صورت ساده و خطی درآمده‌است. این نقوش

می‌توانند، اشاره‌ای به خصوصیات انسانی و نیکویی فرد متوفی و همچنین بیانگر پایداری و نامیرایی او در دل و ذهن بازماندگان باشد. نقش سرو در سنگ‌قبرهای قبرستان امامزاده حبیب‌الله در فرم‌های مختلف و متنوع، با خطوطی بسیار ساده و ابتدایی، زمینه خود را تزیین نموده‌است. در برخی از سنگ‌قبرها، درخت و محراب در کنار هم، یک فضای قدسی را به‌وجود می‌آورند که می‌توان گفت، به نوعی، بیانگر بهشت هستند یا اگر درخت تمثالی از انسان بیان شود؛ گویی هنرمند مسلمان، انسان را درون محراب عبادت ترسیم نموده‌است (جدول ۱).



جدول ۱. نقش گیاهی، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقش	طرح کلی سنگ‌قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ‌قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
نقش گیاهی			دوره تاریخی: قاجار ویژگی سنگ‌قبر: عمودی میزان برجستگی: کم جنسیت متوفی: نامشخص	نقوش: درخت سرو، خطوط موازی و موجی شکل به‌طور متقارن، لوزی	ندارد

۲- نقش حیوانی

نقوش حیوانی در سنگ‌قبرها از سویی با اساطیر کهن ایرانی و ادبیات داستانی و از سویی دیگر با فرهنگ و تمدن اسلامی و باورهای عامیانه در ارتباط هستند. در میان سنگ‌قبرهای این منطقه، نقوش حیوانی، همچون پرندگان در حال پرواز به‌چشم می‌خورد. رابطه بین پرنده، پرواز و مرگ، از گذشته وجود داشته‌است و احتمالاً مرگ را نوعی پرواز به جهانی دیگر می‌دانستند. پرندگان در حال پرواز در این جا، بین گل‌ها و گیاهان تصویر شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت، پرنده، نماد روح فرد متوفی است که در میان گل‌ها و گیاهان بهشتی قرار گرفته‌است. «در فرهنگ و ادبیات عرفانی، پرنده، نماد روح مطلق است که سرگشته به دنبال منزلگاه ابدی خود می‌گردد و با مفاهیم مرگ و حیات جاودانه مرتبط است» (سبحانی، ۱۳۹۳: ۶۹۷). این نقوش، همچون سایر نقوش حک شده بر روی سنگ‌قبرها، به‌صورت خطی و ساده حجاری شده‌اند. هنرمند حجار توانسته با تغییری جزئی در شکل و حرکت پرنده، آن را به‌صورت تازه‌تری جلوه‌دهد. او در حقیقت خوش‌یمنی، پاکی و درستکاری را با نقش پرنده به بیننده القاء کرده‌است و از وی می‌خواهد تا درون و بیرون خویش را به این صفات بیاراید. در سنگ‌قبرهایی که بر آن‌ها، نقش پرنده، نقش شده‌است، پرندگان به‌صورت قرینه در دورتادور سنگ قرار گرفته و حک شده‌اند. بال‌ها و به‌طور کلی اندام پرندگان، به سادگی طراحی شده‌اند که نشان‌دهنده ذوق و توجه هنرمند حجار منطقه است (جدول ۲).

جدول ۲. نقش حیوانی، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)


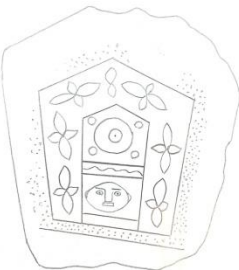
نقش	طرح کلی سنگ قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
نقوش حیوانی			دوره تاریخی: قاجار ویژگی سنگ قبر: عمودی میزان برجستگی: کم جنسیت متوفی: نامشخص	نقوش: پرنندگان در حال پرواز، شاخ گاو (گاو شاخ)، گل، دایره	ندارد

۳- نقش انسانی

«تصاویر انسانی از جمله نقوشی هستند که در ایران باستان در هنرهای مختلف به‌ویژه، حجاری بر روی سنگ انجام می‌شده است؛ ولی با آغاز دوره اسلامی، نقوش موجودات زنده به‌ویژه نقوش انسانی با منع تصویری روبه‌رو شد و نقش‌کردن انسان با محدودیت‌هایی، چون شباهت‌سازی و شخصیت‌پردازی، زاویه دید و جنسیت مواجه بوده است و هرگز به آن صورت که در هنر غرب مطرح بود، در هنر ایران، ظاهر نشد. بر روی سنگ قبرهای دوره صفویه و دوره‌های قبل از آن، نقوش انسانی وجود ندارد اما با شروع حکومت قاجار، مانند دیگر حوزه‌های هنری و متأثر از قبرهای تصویری شاهان و شاهزادگان قاجاری، سنگ قبرهای ایران با تصاویر انسانی، تزیینات ظریف، خطوط و حجاری‌های استادانه ساخته شده‌اند» (تناولی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

برخی از نقوش انسانی حک شده بر روی سنگ قبرها، تنها جنبه اطلاع‌رسانی دارند و هنرمند سعی دارد، اطلاعات مربوط به شخص متوفی را به نمایش درآورد. از نمونه‌های محدود به‌دست آمده از قبرستان‌های استان گلستان به‌ویژه قبرستان امامزاده حبیب‌الله، نشان‌دهنده تصویر فرد متوفی است که به همراه نقش گل آمده است و به نظر می‌رسد که فرد متوفی، باغبان بوده باشد. در نقش‌کردن اشخاص عادی، دقت و ظرافت کمتری در حجاری لحاظ شده است و از دیگر مشخصه نقوش انسانی، آن است که، فقط به تصویر مردان پرداخته شده و هیچ‌کجا نمی‌توان نقش زنان را بر روی سنگ قبرها مشاهده نمود (جدول ۳).

جدول ۳. نقش انسانی، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقش	طرح کلی سنگ قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
نقش انسانی			دوره تاریخی: قاجار ویژگی سنگ قبر: عمودی میزان برجستگی: کم جنسیت متوفی: مرد	نقوش: سر مرد، گل (نشان از مرد کشاورز یا باغبان)، دایره های متداخل (نماد خورشید)، زیگزاگی	ندارد

۴- نقش ابزار و وسایل

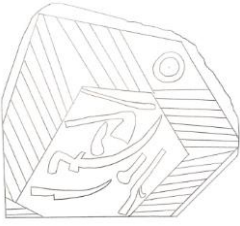

باورها و آیین‌های مرتبط با مرگ‌وزندگی، به قدری با اهمیت هستند که در گذر تاریخی، با شکل‌ها و مؤلفه‌های تازه همچنان در میان جوامع بشری و فرهنگ ایرانی، ادامه یافته‌اند؛ اگرچه به علت تغییرات دینی و فرهنگی، نوع نگاه و عمل به این اعتقادات اساطیری و کهن تغییر کرده؛ اما حجاری وسایل شخصی متوفی بر روی سنگ‌قبر در امتداد همان تفکرهای اولیه بشری است. در گذشته‌ای نه چندان دور، افراد با شغل‌هایشان مشهور بودند و شاید یک شغل، حالت موروثی داشته‌است و در زمانی که سطح سواد مردم پایین بوده و همه قشرهای جامعه، سواد خواندن و نوشتن نداشتند، آدرس قبرها را از روی نقوش حک شده بر روی سنگ‌قبرها به راحتی پیدا می‌کردند. در دین اسلام هم، کار عبادت به حساب می‌آید و شاید به همین علت، ابزار کار فرد متوفی را درون سنگ‌قبرهای محرابی شکل ترسیم می‌کرده‌اند که نشان دهند، پس از مرگ هم انسان در حال عبادت است. در سنگ‌قبرهای این قبرستان، کنار نام متوفی، شغل او و حتی در برخی از موارد، نسبت متوفی را هم حکاکی کرده‌اند. این نقوش از زندگی ساده ساکنان قدیم این منطقه سرچشمه گرفته‌است و مجموعه بی‌ظنیری از هنر، معیشت و اعتقادات آنان خلق نموده است که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

در قبرستان امامزاده حبیب‌الله، وسایل شخصی، همچون شانه، مهر و تسبیح، قیچی، شمشیر، تفنگ و چاقو بر روی سنگ‌قبرها نقش بسته‌است که نشانگر دلبستگی و باورهای متوفی هستند. مهر و تسبیح، از جمله اشیاء مذهبی نقش شده بر روی سنگ‌قبرها است که نشان ایمان و حالات معنوی فرد متوفی در زمان حیاتش می‌باشد؛ «همچنین در باور جهانی و نمادشناسی نیز گویای چرخه کلیت و زمان، تداوم بی‌پایان و زهد است» (بهمنی، ۱۳۸۹: ۶۸). غالباً این نقش در کنار آئینه و شانه می‌آید. حک کردن نقش شانه بر سنگ‌قبر، شاید تأکیدی آشکار بر پاکی و آراستگی شخص متوفی بوده باشد که هرگاه شانه یک پهلو باشد صاحب قبر، مرد و اگر دو پهلو باشد، صاحب قبر زن بوده است. مهر که برای نماز خواندن به کار می‌رود، همیشه نماد ستایش و پرستش و در فرهنگ بومی گویای آن است که فرد متوفی، انسانی خداشناس و دین‌دار بوده‌است.

برخی از نقوش حک شده که در این قبرستان مشاهده می‌شود، مربوط به زندگی روزمره و نشانگر شغل و صنعت هستند که عبارتند از: دوک، انواع شانه بافندگی، ماکو، قیچی و ماسوره که معرف شغل زن بافنده است. دوک، نشانه بانوان مادر و بافندگان سرنوشت است. قیچی نیز نمادی از مرگ و قطع رشته حیات است. چاقو، شغل مرد قصاب را نشان می‌دهد؛ علاوه بر آن با چاقو چیزی را بریدن به معنی جدایی، تقسیم، آزادی و مفهوم مرگ است. نقش تیر و کمان و اسلحه، مردان شکارگر را توصیف می‌کند و نقش شمشیر نماد اقتدار، شجاعت و جنگاوری، قدرت و هوشیاری و به گفته افراد منطقه، معرف حاکم یا خان منطقه بوده‌است (جدول ۴).

جدول ۴. نقش ابزار و وسایل کار، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقش	طرح کلی سنگ‌قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ‌قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
نقش ابزار و وسایل			دوره تاریخی: قاجار ویژگی سنگ‌قبر: افقی (خوابیده) میزان برجستگی: کم جنسیت متوفی: زن	نقوش: قیچی، ماسوره، شانه دستگاه بافندگی، شانه دو پهلو (نشان از زن بافنده)، دایره، خطوط موازی متقارن و زیگزاگ	ندارد

ندارد	نقوش:	دوره تاریخی:	
	شمشیر، چاقو، تبرزین،	قاجار	
	تفنگ و باروت‌دان (نشان	ویژگی سنگ قبر:	
	از مرد شکارچی یا	عمودی	
	جنگاور)، خطوط	میزان برجستگی:	
	موازی و متقارن،	کم	
	دایره‌های متداخل (نماد	جنسیت متوفی:	
	خورشید)	مرد	

۵- نقش هندسی، انتزاعی و نمادین

در سنگ قبرها، نقوشی که همگی در ادبیات، عرفان و فلسفه شرق، مفاهیم معنوی‌ای را دربردارند، از نظر تنوع به چند دسته اصلی نقوش هندسی، انتزاعی و نمادین تقسیم می‌شوند. در دوران هنر اسلامی و نمود آن در نقوش سنگ قبرها، برای نزدیک شدن به حقیقت الهی، نقوش از حالت طبیعی، دور و به گونه‌ای تزئینی و تجریدی جلوه‌گر شدند. نقوش هندسی، همگی بر مبنای یک مرکز هستند و در هر مکان و زمانی تجلی می‌یابند و به صورت آشکار، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را تداعی می‌کنند. این نقوش به اندازه‌ای از طبیعت دور شده‌اند تا بتوانند نمودار حرکت ازلی و ابدی خالق و مخلوق باشند؛ حرکتی که برای آن پایان و غایتی، نمی‌توان تصور کرد.

تزیینات هندسی با شکل‌های متنوع، نقش مناسبی برای طراحان و حجاران سنگ قبرها بوده تا با خلاقیت خود، جلوه‌ای زیبا به سنگ قبرهای اسلامی ببخشند. تعداد نقوش هندسی، انتزاعی و نمادین در این قبرستان بسیار است که به شیوه‌های گود و برجسته حجاری و تزیین شده‌اند.

در مطالعه سنگ قبرهای قبرستان امامزاده حبیب‌الله، نقوش هندسی ویژه‌ای حکاکی شده‌است که عبارتند از دایره، مثلث، شش ضلعی، لوزی و خطوط موازی. این نقوش هندسی، مفاهیمی چون زندگی و رستاخیز پس از مرگ را نشان می‌دهند. اقوام کهن این منطقه، علاوه بر بازنمایی طبیعت، به ماورای آن هم، نظر داشته‌اند و برخی نقوش را با نگرش بنیادی و محوری نگریسته و از هرگونه عینیت‌پردازی پرهیز نموده‌اند. شکل‌های نمادین، اغلب بر اساس دو شکل مثلث و دایره طراحی شده‌اند و باورها و اعتقادات متأثر از ایرانیان باستان و اندیشه جمعی عامه در نقوش، به شکلی خلاقانه پدیدآمده و اصالت یافته‌اند.

«نقش هندسی دایره، کامل‌ترین شکل و از نظر نمادین، اهمیت تاریخی ویژه‌ای داشته‌است. دایره، نمادی از خلق جهان و نیز مفهوم زمان است؛ همچنین نمادی از حرکت پیوسته و مدور آسمان است که با الوهیت نیز ارتباط دارد و به عنوان روح نیز معرفی شده‌است» (پویان و خلیلی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). دایره‌های متصل به یکدیگر بر روی سنگ قبرها می‌تواند، بر ارتباط انسان با طبیعت و عدم انقطاع این چرخه برای تداوم زندگی مردمان منطقه، اشاره داشته‌باشد. این معنای ضمنی را می‌رساند که گویی هنرمند با انتخاب دایره‌های متحد و زنجیره‌وار بر وحدت و اتحاد شکست‌ناپذیر و پایداری اقوام در برابر سختی‌ها تأکید دارد. هنرمند حجار با این نقش احساس همبستگی خود را نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که هیچ پدیده‌ای در برابر این زنجیره، تاب مقاومت ندارد؛ در واقع این زنجیره، نمادی از اتحاد، انسجام و همبستگی اجتماعی مردم اقوام مختلف در استان گلستان است؛ همچنین تکرار نقوش دایره‌مانند بر روی سنگ قبرها که به صورت منظم و ریتم‌وار صورت می‌گیرد، تداعی معانی چون زایش و فراوانی را دارد.

«نقش دیگر در سنگ قبرها، مثلث است. مثلث، در جایگاه و طرح‌های مختلف، مفاهیم متفاوتی دارد؛ از جمله مثلثی که رو به بالا باشد، نماد آتش و جنس مذکر است و مثلث رو به پایین، نماد آب و جنس مؤنث است» (کوپر، ۱۳۹۲: ۳۴۴). با نگاه به عقاید و باور اقوام منطقه، مشخص می‌شود که مثلث با دارا بودن سه گوشه تیز و فرورونده، حالت تهاجمی و تعرض گونه به بیرون دارد که در باورهای عامیانه این شکل در هر مکانی باعث دفع ارواح خبیثه و شرور و دشمنان خواهد شد؛ بنابراین می‌توان فرم مثلث در عناصر یا ترکیب

نقوش سنگ‌قبرها را با دفع ارواح خبیثه مرتبط دانست؛ همچنین مثلث می‌تواند تداعی‌کننده کوه باشد که محل جریان آب‌های روان است؛ بنابراین معنای کوه برای این نقش می‌تواند توجیه‌پذیرتر گردد. دلیل اصلی استفاده از این نقوش بر روی سنگ‌قبرها را می‌توان استمداد از طبیعت دانست. «از زمان‌های کهن، کوه، اهمیت مذهبی داشت. کوه به اعتقاد اقوام اولیه، نگهبان و نیروی حیات و دارای نیروی تولید، سرچشمه زندگی و مظهر حاصل‌خیزی و فراوانی بوده است» (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۷۲). از سویی دیگر از نظر بصری و ساختاری، نقش مثلث، نشان از خوشه گندم دارد. توجه به معانی نمادین این نقش دریافت‌های قابل توجهی را خواهد داشت. «مثلث که با خورشید و گندم در رابطه است، نمادی از باروری نیز می‌باشد» (هوهنه‌گر، ۱۳۹۵: ۶). براساس معنی نمادین عنوان شده، نقش مثلث در کنار خوشه گندم محتمل است بر کشت دیم و باروری محصولات در منطقه استان گلستان اشاره داشته‌باشد و به‌عنوان یکی از منابع اصلی رزق و روزی مردم منطقه باشد. نکته قابل توجه این است که در نقوش سنگ‌قبرهای امامزاده حبیب‌الله، شکل مثلث در بالای سنگ‌قبرها روبه‌بالا حکاکی شده‌است که این مثلث، صریحاً اشاره به بالا دارد و نشانگر این تفکر است که بازگشت همه به سوی اوست.

از دیگر نقوش به‌کاررفته در این قبرستان، طرح محراب است که یا شکل اصلی قبرها است و یا اینکه به‌عنوان کادرهای محرابی شکل بر روی سنگ‌قبرها، نقش شده‌اند. «محراب در فرهنگ اسلامی، گاه به‌عنوان دروازه بهشت آمده‌است و در باور اسلامی، محراب، محل تجلی خداوند است که نماد آن نور است. محراب، حرکتی از زمین مادی به سوی ملکوت اعلی است. محراب می‌تواند مرز دنیای قدسی و دنیای طبیعی و شیطانی باشد که گشوده شدن آن، نشانه بازشدن درهای بهشتی است که روح با گذر از دنیای کفر و اهریمنی، وارد آن می‌شود» (کوپر، ۱۳۹۲: ۷).

سنگ‌قبرهای محرابی شکل قبرستان امامزاده حبیب‌الله، دارای دو یا سه طاق‌نمای تودرتو با قوس‌های جناغی هستند و حاشیه اول آن‌ها، معمولاً دارای تزیینات گیاهی؛ حاشیه دوم، دارای صلوات کبیر و گاهی حاشیه سوم، شامل حدیث یا دعا است و متن وسط به نام متوفی و تاریخ وفات تعلق دارد و گاهی هم تزیینات، فقط شامل نقوش هندسی است (جدول ۵).

جدول ۵. نقش هندسی، انتزاعی و نمادین، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقش	طرح کلی سنگ‌قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ‌قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
نقش هندسی، انتزاعی و نمادین			دوره تاریخی: قاجار	نقوش: چند دایره (نماد خورشید)، خطوط زیگزاگی، شانه دو پهلو (نشان زن)	ندارد
			ویژگی سنگ‌قبر: عمودی		
			میزان برجستگی: کم		
			جنسیت متوفی: زن		
نقش هندسی، انتزاعی و نمادین			دوره تاریخی: قاجار (۱۳۲۳ ه.ق)	نقوش: قاب محرابی شکل، مشهدی شش ضلعی، اسماعیل ابن خطوط موازی و یوسف (یوسف) متقارن	وفات مرحوم
			ویژگی سنگ‌قبر: عمودی		
			میزان برجستگی: کم به همراه کمی برجستگی		
			جنسیت متوفی: مرد		۱۳۲۳



۶- کتیبه نگاری

«از جمله مهم‌ترین عواملی که در روند هنر و به تبع آن نقوش تزئینی تأثیر زیادی به جای گذاشت، قرآن و خوشنویسی قرآن بود؛ چراکه کتاب آسمانی و کلام الهی با نوشتن آغاز شد. انتشار قرآن به زبان اصلی و رواج خط عربی، پیوندی به وجود آورد که تمامی دنیای اسلام را به هم مربوط ساخت و عامل مهمی در خلق اثر هنری گردید. با آغاز دوره اسلامی در ایران، خط عربی جایگزین خطوط نوشتاری قبل شد و به عنوان عامل ثبت کلام مقدس الهی از احترام، توجه و قداست فراوانی برخوردار شد و به همین دلیل، هنرمندان مسلمان تلاش کردند جایگاه شایسته‌ای برای نگارش کلام الهی ایجاد نمایند؛ علاوه بر این، ممنوعیت نمایش نقوش انسانی و حیوانی در قرون اولیه، انگیزه‌ای برای شکوفایی خلاقیت بیشتر هنرمندان در این زمینه شد و به این دلیل، خط عربی در دست هنرمندان مسلمان به متنوع‌ترین و زیباترین شکل درآمد» (السعيد و پارمان، ۱۳۹۹: ۱۱۴). «خوشنویسی در دوران اسلامی با توجه به جایگاه خاص خود در تزئینات، از اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین کاربرد فراوان کلمات و مفاهیم اسلامی در خطاطی، با توجه به قداست آیات قرآنی، سبب تشویق هنرمندان مسلمان برای خلق آثار برگرفته از فرهنگ اسلامی شد؛ علت این امر کاملاً واضح و مشخص است که هنرمندان با استفاده از این آیه‌ها و ذکر نام و نشانه‌ای الهی در آثار موجود، سعی در انتقال قداست و تعالی بخشیدن به آثار خود می‌نمودند و از آنجاست که محراب‌ها و سنگ‌قبرها واسطه ظاهری و نمادین بین انسان و نیروهای آسمانی و مقدس هستند. کتیبه‌ها در قبرستان‌ها، مساجد و مقبره‌ها به تعداد زیادی یافت می‌شوند و علاوه بر نمایاندن ویژگی‌ها و پیوند تنگاتنگ بین معماری و خوشنویسی، اطلاعات تاریخی و فرهنگی گذشته را نیز در اختیارمان قرار می‌دهند» (صداقت، ۱۳۸۴: ۷۸).

ابزار و وسایل، کادر، حاشیه، قاب‌بندی، کارکرد و ادبیات خاص قبرستان‌ها، سبک و شیوه خوشنویسی متعارف را تحت تأثیر قرار می‌داد به گونه‌ای که در بررسی این قبیل آثار، فصل تازه‌ای از تاریخ خوشنویسی را می‌توان شاهد بود. اکثر خطوط قبرهای امامزاده حبیب‌الله به شیوه حجاری توکن یا توکار و گودبرداری خطوط و نقوش اجرا شده است. گاهی خوشنویس و حجار یکی هستند؛ اما اغلب این دو مجزا از هم بوده‌اند؛ ولی هر دو در جهت خلق یک اثر معنوی-هنری تلاش می‌کردند تا حدی که جدایی حجار و خوشنویس اصلاً به چشم نمی‌آید؛ بی‌گمان، خوشنویسی و حجاری خطوط قبرها در این قبرستان توسط افراد عادی با ذوق و قریحه مبتدی و سلیقه شخصی، انجام گرفته است. اگر فقط از لحاظ اصول خوشنویسی به این خطوط نگرسته شود، ناامیدکننده خواهد بود؛ اما اگر به وجه بصری آن‌ها توجه شود، نمونه‌های استادانه و بی‌بدیلی را می‌توان شاهد بود؛ هدف این خوشنویسان خودآموخته که اغلب حجاری خطوطشان را، خود برعهده داشته‌اند، عملی کردن تجارب درونی خود، اما متفاوت با قواعد و اصول خوشنویسی بود. آن‌ها در طراحی سنگ‌قبرها سطح قبر را به قسمت‌های متناسب با نقش و خط تقسیم می‌کردند. اجرای یک‌دست و یک‌نواخت آن‌ها از لحاظ نقوش و خطوط بسیار منحصر به فرد است. تغییرات جسورانه و ساده‌دلانه آن‌ها در نگارش بی‌تکلف قبرها وقتی معلوم می‌شود که گاه در نوشته‌هایشان، مرتکب غلط‌های املائی نیز شده‌اند که البته این موضوع نه تنها از اهمیت کار آن‌ها نمی‌کاهد؛ بلکه معرف صداقت نوشتاری آن‌ها است و همین امر آن‌ها را در ایجاد تغییرات ناخواسته خوشنویسی و حجاری سنگ‌قبرها راهنمایی کرده است. خطوط، حتی اگر از لحاظ دستوری و املائی هم غلط باشند؛ بی‌شک تلاش آن‌ها برای شأن و منزلت دادن به کلمات و حروف قابل تقدیر است؛ به ویژه که نام خداوند و عبارت شهادتین باشد (جدول ۶).

خطوط موجود می‌تواند شامل گزیده‌نویسی‌هایی نیز شود که خوشنویس و حجار، تنها چند کلمه بسیار مختصر بر روی سنگ‌قبر نگاشته‌اند و یا بنا به دلایلی نامعلوم قسمتی از خط رها شده که در جای خود زیبایی بصری خاصی به وجود آورده است. فراوان‌نویسی نیز در برخی سنگ‌قبرها دیده می‌شود به اندازه‌ای که سنگ‌قبرها جای خالی کمی دارند و پر از نوشته‌اند و این حجم از نوشتار، می‌تواند معرف شخصیت مذهبی، سیاسی و اشرافی متوفی بوده باشد.

جدول ۶. کتیبه نگاری، قبرستان امامزاده حبیب‌الله شهرستان بندرگز، دوره قاجاریه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

نقش	طرح کلی سنگ قبر	طرح خطی شده	مشخصات سنگ قبر	ویژگی نقوش	متن نوشتار
کتیبه نگاری			دوره تاریخی: قاجار (۱۱۳۱ ه.ق) ویژگی سنگ قبر: عمودی میزان برجستگی: کم جنسیت متوفی: زن	نقوش: قیچی، سوزن، صقرا (صغری) مُهر (نشان از زن بایمان و خیاط)، خطوط موازی	وفات مرحومه صقرا (صغری) بنت محمد کاظم (کاظم) شهری ۱۰۱۳۱ (۱۱۳۱)

• تحلیل زیبایی‌شناختی

طرح و نقش، اولین عامل تأثیرگذار در زیبایی سنگ قبرها بوده است. طرح‌های نقش‌شده، استخوان‌بندی و نظام ساختاری درون‌متنی است که طرح‌ها بر اساس آن چیده می‌شوند؛ باتوجه‌به دیدگاه انسان‌شناسی، هنر شامل اشیائی است که «ویژگی‌های معناشناختی یا زیبایی‌شناختی دارد و برای اهداف نمایاندن و بازنمایاندن به‌کار می‌رود» (مورفی، ۱۳۸۵: ۳۱). سنگ قبرهای استان گلستان از ابعاد و شکل‌های گوناگون و نقوش متنوعی برخوردار هستند که به‌نوعی می‌تواند با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی ارتباط پیدا کند؛ اما آنچه در این‌جا اهمیت دارد، تفسیر این زیبایی‌شناختی در بستر فرهنگ تولیدکننده است. در همین ارتباط، مورفی که بر بُعد زیبایی‌شناختی هنر تأکید می‌کند، اعتقاد دارد که «دغدغه اصلی انسان‌شناس، زیبایی‌شناختی شیء در زمینه فرهنگ تولیدکننده است» (Morphy, 1994:672). بر همین اساس، آنچه در ارتباط با سنگ قبرها و نقوش موجود بر آن‌ها در منطقه مورد نظر جستجو می‌شود، کشف قوانین حاکم بر زیبایی این شیء هنری است؛ به‌طورکلی، زیبایی‌شناختی سنگ قبرها و نقوش آن‌ها از دو نظر مورد مطالعه قرار می‌گیرند: زیبایی فرمی و زیبایی محتوایی. فرم، شکل یا صورت یکی از مهم‌ترین مباحث در زیبایی‌شناختی است. «فرم در بردارنده شکل، جزئیات ترکیب‌بندی و ساخت است؛ همچنین به این مورد اشاره دارد که هر شیء هنری چگونه و از چه چیزی ساخته شده است» (مورفی، ۱۳۸۵: ۱۴). در زیبایی‌شناختی فرمی سنگ قبرها، عواملی همچون نقوش، ترکیب‌بندی، مواد اولیه و ابزار و تکنیک‌های ساخت، دخیل هستند؛ بنابراین، تحلیل زیبایی‌شناختی یک اثر از آن‌جهت دارای اهمیت است که توجه‌به یک اثر هنری، می‌تواند با تأثیری مطلوب بر نگرش افراد جامعه، آن را به درک ارزش‌های زیبایی‌شناختی فراخواند. در بیان زیبایی‌های سنگ قبرهای منطقه استان گلستان و به‌ویژه قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، به برخی از اصول زیبایی‌شناختی پرداخته خواهد شد؛ به این‌صورت که با برجسته نمودن برخی زیبایی‌ها، جلوه‌های آشکار و پنهان موجود در سنگ قبرها را که ممکن است از دید و ذهن مخاطبان دور مانده باشد و شناخت دقیقی نسبت به آن‌ها نداشته باشند، در یک تحلیل درست به آن‌ها پرداخته می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد. حجاران که آن‌ها را می‌توان هنرمند شناخت، به یک سنگ قبر، به چشم یک اثر هنری به آن شکلی که نگریسته می‌شود، نگاه نمی‌کنند؛ باین‌وجود می‌توان نوعی زیبایی‌شناختی بومی برای این منطقه قائل شد. کمیت و کیفیت و اندازه نقوش، تراکم، تمرکز، تعادل، شلوغی و خلوتی، استفاده از نقوش متنوع، رعایت تقارن در اجزاء و در کل طرح، تناسب و هماهنگی اجزاء با یکدیگر و کل طرح، از ویژگی‌های سنگ قبرها و نقوش حک شده بر آن‌ها است که در این منطقه می‌توان شاهدش بود. بررسی‌های زیبایی‌شناختی انجام شده نشان می‌دهد که حجاران بیشتر در قسمت طرح و نقش است که توان خود را به‌کار می‌گیرند تا سنگ قبر زیباتری را بسازند. امکان تقسیم‌بندی نقوش به گروه‌های مختلف، بیانگر تنوع نقوش ایجاد شده بر سنگ قبرها است.

در بین نقوش سنگ قبرها آنچه به وضوح قابل مشاهده است، به‌کارگیری عناصر و نقوشی است که به‌طور مشابه و در ارتباط باهم،

به‌کاررفته و ایجاد شده‌اند. اولین شکل تشابه، تکرار فرم محرابی خود سنگ‌قبرها است که در اندازه‌های مختلف تکرار می‌شود. حجاران، فرم محرابی شکل را مبنای قرارگیری نقوش متن قرار داده‌اند که این کاربرد گسترده نقوش محرابی، نشان‌دهنده ایده ذهنی از یک نقش است. آن‌ها سنگ‌قبرها را در قالب محراب‌هایی پذیرفته‌اند که با نقوش متنوعی تزئین و پر می‌شود و شکل دیگری برای آن در نظر نمی‌گیرند. شاید بتوان گفت که این یک شکل قراردادی است که افراد آن جامعه آن‌را پذیرفته‌اند. این ذهنیت چنان با تفکر جمعی منطقه همراه شده که طی نسل‌ها هیچ تغییری در آن داده نشده‌است؛ علاوه بر فرم سنگ‌قبرها، تکرار نقش‌هایی، همچون درخت سرو، شانه، ابزار و وسایل کار و زندگی و سایر موارد نیز از این قانون تشابه پیروی می‌کنند. تکرار نقوش در متن سنگ‌قبر به‌صورت منظم اتفاق افتاده‌است و فضای بین آن‌ها را ریزنقش‌ها پر می‌کند. «ذره‌گرایی در زیبایی‌شناختی به این معنی است که اثر هنری از بی‌نهایت ذره‌های ریز و مستقل تصویری تشکیل شده‌است که هرکدامشان در کمال نسبی خود، ساخته و پرداخته شده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به تنهایی در ترکیب‌بندی اثر، چندان تأثیری ندارند؛ اما مجموعه‌ای از آن‌ها شکل‌هایی را می‌سازند که به‌عنوان عنصر ترکیب‌گر اثر هنری، در ترکیب آن وارد می‌شود» (آیت‌اللهی، ۱۳۹۲: ۴۵)؛ برای مثال، گل‌های ریز یا چندپر، برگ‌ها، خطوط موازی، نقاط دایره‌ای شکل یا شکل‌هایی که برای تزئین و یا پر کردن فضاهای تهی به‌کار برده می‌شوند، هرکدامشان در کمال دقت و زیبایی ساخته شده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام به‌صورت مستقل و ذاتاً در ترکیب‌بندی دخالتی ندارند؛ بلکه مجموع این عوامل است که نقوش حک شده بر سنگ‌قبرها را به بار می‌آورد و این نشان می‌دهد که حجاران بومی، فقط به یک نقش خاص توجه نداشته‌اند؛ بلکه تمایل داشتند همه چیز را با هم ببینند و به همین علت، از فضای خالی در سطح کار پرهیز نموده‌اند.

ریتم و تکرار را هم به تعداد زیادی در سنگ‌قبرها می‌توان مشاهده نمود. هر سنگ‌قبر از تکرار نقوشی تشکیل شده‌است که مجموع آن‌ها، ساختار کلی سنگ‌قبر را پدید می‌آورد. در تقسیم‌بندی هر یک از سنگ‌قبرها، نقوشی حجاری شده‌است و از ردیف شدن و کنارهم قرارگرفتن آن‌ها، ترکیبی شکل گرفته‌است که این سلسله مراتب به واسطه پیوند هدفمند و هم‌نشین‌سازی در فرم، ابعاد و محتوا در تمامی سنگ‌قبرهای منطقه، مشاهده می‌شود. از ویژگی‌های دیگر آن‌ها، نظم و ترتیب، تقارن و تعادل، سادگی، تناسب و استواری است که عامل اصلی انسجام و یکپارچگی می‌شود. تقارن، ارتباط نزدیکی با مفاهیم زیبایی و تناسب دارد؛ زیرا به معنای یک ساختار قاعده‌مند ایستا است. این نظم و قاعده می‌تواند، سهمی در دریافت‌های هماهنگ و متوازن داشته باشد و به درک زیبایی منجر شود. «می‌توان میزان زیبایی‌شناختی یک شیء را از میزان نظم، قاعده و پیچیدگی سنجید. هر جا که تقارن حاکم است، تعادل نیز، برقرار است؛ به عبارت دقیق‌تر، تقارن یک موقعیت می‌باید، تعادل آن را در پی داشته باشد» (گروتز، ۱۳۹۳: ۲۱۴). این تقارن در ساختار کلی سنگ‌قبرها و نقوش آن‌ها به دو صورت تقارن منظم و تقارن نامنظم مشاهده می‌شود. در تقارن منظم که یکی از شاخص‌ترین ساختارهای منظم و قاعده‌مند به‌شمار می‌آید، قرینگی کامل وجود دارد؛ ولی در تقارن نامنظم، با از بین رفتن حالت سکون، تحرک زیادی را ایجاد می‌نماید.

از نظر مورفی، زیبایی‌شناختی در ارتباط با این است که «چیزی به حواس جذب می‌شود» (Morphy, 1989: 23). در فرهنگ مادی، زیبایی‌شناسی با تأثیر از ویژگی‌های اشیاء بر حواس و نیز بُعد کیفی مشاهده آن‌ها اشاره دارد. با توجه به نظریه مورفی، تنها زیبایی‌های فرمی در آثار تجسمی نیستند که می‌توانند حواس را تحریک کنند؛ بلکه ویژگی‌های محتوایی، همچون خاطره اجدادی و میراث فرهنگی در اشیاء وجود دارند که می‌توانند، احساس‌های مختلفی را نسبت به خود و در مخاطبان شیء هنری به‌وجود آورند. مشاهده‌ها در حوزه سنگ‌قبرها در قبرستان امامزاده حبیب‌الله بندرگز، برخی از این حس‌ها را نشان می‌دهد و می‌تواند احساس‌های مختلفی را نسبت به خود در مخاطبان ایجاد نماید. آنچه توانسته عمر زیبایی‌های سنگ‌قبرها را از گذشته تاکنون، حفظ کند؛ علاوه بر زیبایی‌های فرمی که به آن‌ها اشاره شد، همراهی این سنگ‌قبرها و نقوش آن‌ها با معانی و کارکردهایش است؛ هرچه این مفاهیم با عمق بیشتری به روح تولیدکنندگان و مخاطبان نفوذ کند، می‌تواند عمر زیبایی را افزایش دهد؛ از طرف دیگر، ارتباطی درونی، بین زیبایی محتوایی و زیبایی فرمی وجود دارد که در ضمیر ناخودآگاه بومیان منطقه به‌ویژه حجاران، موضوعیت دارد. زیبایی محتوایی در

سنگ قبرها، نشانه یا نماد نیست؛ بلکه آن نوع زیبایی است که بین سنگ قبر، نقوش و عملکردهای آن در بین مردم بومی وجود دارد و بر اثر مرور زمان و تکرار، نوعی تداعی مفهومی یا معنایی را در ارتباط با پیوند فرم و عملکرد به وجود می‌آورد. برخی از ویژگی‌های مفهومی سنگ قبرهای این منطقه که در زیبایی‌شناختی محتوایی تأثیر زیادی دارد، در زمینه‌هایی، همچون کاربردها، میراث فرهنگی و خاطره اجدادی، سنگ قبر در درون جامعه تولیدکننده و مصرف‌کننده، عوامل مؤثر در پیدایش نقوش خودنمایی می‌کنند که در ادامه به معرفی هر کدام از آن‌ها در تحلیل کارکردشناختی اشاره خواهد شد.

• تحلیل کارکردشناختی

در تحلیل کارکردشناختی، اثر هنری از جنبه‌های کاربردی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. کاربردهای هنر در میان مردم یک فرهنگ، جزء ویژگی‌های فرهنگی آن مردم، محسوب می‌شود. جوامع انسانی از کلیت‌هایی در سطوح مختلف تشکیل شده‌اند که اجزاء آن‌ها پیوستگی و وابستگی متقابل دارند و رابطه اجزاء با یکدیگر یا با کل، رابطه‌ای کاربردی است؛ با توجه به نظر انسان‌شناسان کاربردی‌پذیری، جزء ویژگی ذاتی آثار هنری است و هیچ اثر هنری در یک جامعه، مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد؛ مگر اینکه کاربرد داشته باشد؛ بنابراین کاربردی‌پذیری، جزء ویژگی‌های اصلی سنگ قبرها و نقوش حک شده بر آن‌ها است. با توجه به آنچه بیان شد، سنگ قبرها و نقوش حک شده بر آن‌ها، از آثار هنری هستند که از گذشته، کاربردهای مختلفی، همچون مصرفی، تزئینی، اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند. ابتدایی‌ترین و رایج‌ترین کاربرد مصرفی سنگ قبرها و نقوش موجود بر آن‌ها، برای پوشاندن سطح قبر و زنده نگه داشتن یاد و خاطره فرد متوفی است. آثار به‌جامانده، نشان از تکریم مردگان و تزئین سنگ قبرها با نمادها، آیات قرآنی و همچنین حضور نقوشی، همچون گل‌بوته‌ها و طرح‌های اسلیمی در کنار خط‌نگاره‌ها، بیانگر فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی است. استفاده از این نقوش و نمادها در معماری تدفینی ایران، بیشتر از اینکه به‌عنوان ابراز علاقه به فرد متوفی باشد، تأکیدی بر یادآوری بهشت است؛ بنابراین سنگ قبرها و نقوش آن‌ها در منطقه استان گلستان، تزئینی صرف نبوده است و به نوعی با استفاده از آن‌ها، یاد و خاطره فرد متوفی را زنده نگه داشته‌اند. از منظری دیگر می‌توان به وجه کاربردی نقوش سنگ قبرها نگریست و آن، تأثیر قوی نقوش بر نظاره‌گر بومی و حتی غیربومی است. نمادهای هنری بر روی سنگ قبرها، ناقل معنایی هستند که از هنرمند به مخاطب منتقل می‌شوند و با این انتقال معنا بین هنرمند، شیء هنری و مخاطب ارتباط برقرار می‌شود. به این شکل «هنر با پشتوانه‌ای فرهنگی و معنایی، به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط مخاطب و تولیدکننده، مطرح می‌شود» (Firth, 1973:105). نقوش سنگ قبرهای منطقه، اگرچه بسیار ساده و ابتدایی جلوه می‌کنند؛ اما تأثیر این نقوش بر انسان آن قدر قوی است که نه تنها نمایش طبیعی اشیاء به پای آن نمی‌رسد؛ بلکه انسان را برای لحظه‌ای مسحور خود می‌نماید تا در عمق معانی آن به مکاشفه بپردازد.

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که از گذشته تا به حال در ارتباط با سنگ قبرهای قبرستان یادشده، بسیار مهم بوده و هست، بُعد اقتصادی آن است که برای بخش وسیعی از مردمان منطقه، ایجاد اشتغال کرده است. حجاری در کنار شغل‌های دیگر، به‌عنوان شغلی دائمی و آبرومندانه با بازده اقتصادی، معیشت برخی خانوارها را تأمین می‌کرد. در حال حاضر نیز، به مانند گذشته، ساخت و تزئین سنگ قبرها انجام می‌شود؛ ولی به مانند سبک سابق، تولید نمی‌شود. ساخت سنگ قبرها در منطقه به‌عنوان تولید فرهنگی، شاخصی بوده است که توانسته است برای تعداد زیادی به‌صورت مستقیم و جانبی اشتغال و درآمد ایجاد کند؛ به‌طور کلی، این شیء هنری می‌تواند، یک کالای صرف اقتصادی باشد؛ در این صورت یک جنس تجاری محسوب می‌شود که سرنوشت آن به دست بازار می‌افتد، و هم می‌تواند پدیده‌ای هنری باشد؛ در این حالت، جایگاهش بیشتر موزه‌های هنری است؛ اما در نگاه کلی‌تر اگر سنگ قبرها، همانند گذشته بخواهند زنده بمانند و اعتبار خود را حفظ کنند، باید بی‌آنکه کیفیت هنری خویش را فدا کنند، ساخته و منقوش شوند تا علاوه بر بُعد اقتصادی‌اش، جنبه‌های هنری و کاربردی‌اش را نیز حفظ و تداوم بخشد.

در انسان‌شناسی هنر اعتقاد بر این است که هنر محصول زندگی جمعی انسان‌ها است که بخش مهم و تعیین‌کننده‌ای از فرهنگ را

تشکیل می‌دهد. این محصول شامل اشیاء تولیدشده در منطقه مورد مطالعه است که ماهیتی مستقل از زمینه‌ای که در آن به‌وجود آمده است، ندارد. «ماهیت شیء هنری، تابعی از شبکه‌های اجتماعی-ارتباطی است که شیء هنری در آن قرار گرفته است» (جل، ۱۳۹۰: ۸۰). در واقع، فهم اثر هنری، بدون داشتن دانش فرهنگی از جامعه آفریننده آن، ممکن نیست و باورهای اعتقادی هنرمند است که شیء هنری را به شکل و شیوه خاصی خلق می‌کند؛ بدین ترتیب، سنگ‌قبر و نقوش حک‌شده بر آن، همچون یکی از نشانه‌های مادی تعریف‌کننده جامعه استان گلستان است که جزء جدایی‌ناپذیر هویت آن به حساب می‌آید؛ همچنین وسیله‌ای است که با آن اجداد در جامعه حضور می‌یابند؛ گرچه این حضور به صورت ناخودآگاه باشد. تجسم حضور اجدادی به معنی تجسم شخص آن‌ها نیست؛ بلکه تجسم باورها و اعتقاداتی است که اجداد با آن‌ها زندگی کرده و به نسل‌های بعد منتقل نموده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

قبرستان‌های تاریخی استان گلستان، از جمله قبرستان امامزاده حبیب‌الله، یکی از منحصربه‌فردترین قبرستان‌های قرون هشتم تا چهاردهم ه.ق است که دارای سنگ‌قبرهایی با فرم‌های عمودی و افقی با نقوش متنوع و مختلف می‌باشد. تزیینات روی سنگ‌قبرها به دو صورت کتیبه‌نگاری و نقوشی، همچون گیاهی، حیوانی، انسانی، ابزار و وسایل، هندسی و نمادین است که نشان‌دهنده ماهیت و موقعیت اجتماعی و مذهبی فرد متوفی می‌باشد که به دو شیوه خطی و برجسته، بر روی سنگ‌قبرها ایجاد شده‌اند و با بیانی انتزاعی بر روی سنگ‌قبرها ظاهر گشته‌اند؛ نقوشی که تحت‌تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی، و باورها و اعتقادات مردم منطقه، شکل گرفته است. نقوش سنگ‌قبرها عمدتاً از طبیعت و زیبایی‌های آن‌ها وام گرفته‌اند؛ پدیده‌هایی، چون گیاهان و دیگر عناصر طبیعی، باعث شده‌اند وجهی مشترک از نظر شکل در بین سنگ‌قبرهای مجموعه قبرستان‌های این منطقه به‌وجود آید و هماهنگی زیبا و خوشایندی پدیدار شود.

علاوه بر طبیعت، فرهنگ، عامل دیگری برای شکل‌گیری نقوش بوده است؛ بدون شک هر قومی با توجه به عوامل مذهبی، تاریخی و برداشتی که از زندگی دارد، اسطوره‌ها، باورها و افسانه‌ها و هنرهای خود را می‌سازد. با نگاهی به راه‌ورسم زندگی هر قوم و آشنایی اجمالی با فرهنگ آن‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که فرهنگ و محصولات مختلف جامعه، هرکدام، مشخصات ویژه‌ای دارند که بسیار پسندیده و درخور احترام هستند. چنین مقوله‌ای در عالم هنر نیز ب‌گونه‌ای است که در آن هنرمندان با توجه به دریافت و برداشتی که از موقعیت محیط کسب کرده‌اند، بدون آنکه مانعی در مقابل خود ببینند، فضاهای مختلف را در کنار هم قرار می‌دهند و وقایع را روایت می‌کنند و همچنین زوایای دیدشان را نسبت به وضعیت و موضوع، تغییر می‌دهند و آن مظاهر رؤیت‌پذیر را آن‌گونه که تمایل دارند، طراحی می‌کنند.

از دیدگاه هنری در این منطقه، هنرمند حجار و مخاطب از یکدیگر جدا نیستند؛ مردم خود، هنر را آفریده‌اند و از آن لذت بصری می‌برند و درجایی دیگر، به آن ابعاد مختلف کاربردی می‌دهند تا بتوانند از این طریق معنای ویژه‌ای را به نمایش بگذارند و به این صورت است که فرهنگ بومی می‌تواند، در شکل‌گیری فرم و محتوا و انتخاب نقوش، ایجاد سبک هنری ویژه منطقه و نوع برخورد مردم با هنر، دخیل باشد.

انسان‌شناسی هنر آثار هنری را در بستر فرهنگ شکل‌دهنده آن‌ها و در رابطه با مختصات فرهنگی و جغرافیایی مردم همان منطقه، مورد بررسی قرار می‌دهد و نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نقوش سنگ‌قبرها به نوعی بازمینۀ جغرافیایی، فرهنگی و دینی ارتباط نزدیکی دارند و به‌طورکلی، حامل فرهنگ و هویت بومی منطقه هستند و در پس هرکدام، معنا و مفهومی وجود دارد. سه بُعد معناشناختی، زیبایی‌شناختی و کارکردشناختی در این هنر رابطه تنگاتنگی باهم دارند و هنرمند نه تنها از اصول فرم و ساختار هنری بهره برده است؛ بلکه در انتخاب موضوع، معنا و کارکرد نیز تلاش کرده است، تا باورهای فرهنگ مردم منطقه را حفظ نماید. در بخش زیبایی‌شناختی نیز نقوش سنگ‌قبرها در دو بُعد فرمی و محتوایی بررسی شد. با نگرستن به سنگ‌قبرها مشاهده می‌شود

که نقوش، کل متن را پر کرده‌اند. نقوش که در کنار هم قرار گرفته‌اند، قدرت تمرکز را از بیننده می‌گیرند و چشم دائماً در حرکت است. تکرار نیز در این نقوش وجود دارد؛ به‌طور کلی تکرار، نقش روان‌شناختی در هنر دارد و ایجاد ریتم می‌کند. ریتم با توجه به فاصله‌هایی که بین واحدهای خود دارد، تأثیر گوناگونی بر بیننده می‌گذارد. کل متنی که در بین حاشیه‌ها محصور شده‌است، با نقوش مختلف، پر شده‌است که حس وجود یک ریتم پیچیده را به بیننده، منتقل می‌کند. سنگ‌قبرهای قبرستان منتخب، نوعی از ارزش‌های بومی هستند که هنرمندان حجار و مردم بومی منطقه و بینندگان این مجموعه می‌توانند، با دیدن آن‌ها، به گذشته فکر و آن را حس کنند.

در این مقاله نقوش سنگ‌قبرهای امامزاده حبيب‌الله، با رویکردی انسان‌شناسانه، مورد بررسی و تحلیل فرهنگی قرار گرفت و می‌توان در پژوهش‌های آتی با دیگر رویکردها، همچون مردم‌شناسی، نشانه‌شناسی و پدیدارشناسی به این مقوله پرداخت؛ همچنین می‌توان هر گروه از نقوش سنگ‌قبرهای این منطقه را که دارای ارزش‌های فرهنگی و هویتی است؛ به‌طور جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

۶- منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۲)، «تبیین مدخل‌های زیبایی‌شناسی فرش ایرانی»، پژوهش هنر، سال اول، شماره ۲، صص ۴۳-۴۶.
- السعيد، عصام، پاران، عایشه (۱۳۹۹)، نقش‌های هندسی در هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سروش.
- بهمنی، پردیس (۱۳۸۹)، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- پویان، جواد و خلیلی، مژگان (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای دارالسلام»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴، صص ۹۸-۱۰۷.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، سنگ‌قبر، تهران، انتشارات بنگاه.
- جل، آلفرد (۱۳۹۰)، هنر و عاملیت: به سوی نظریه جدید انسان‌شناختی، ترجمه احمد صبوری، تهران، متن.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴)، «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن»، فصلنامه هنر، شماره ۲۸، صص ۳۷۸-۳۵۵.
- سبحانی، سید جعفر (۱۳۹۳)، فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی، تهران، طهوری.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۹۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، تهران، کتابسرای نیک.
- صداقت، معصومه (۱۳۸۴)، «مضامین مذهبی در خط‌نگاره‌های سنگ‌مزارها و محراب‌های موزه ملی»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، صص ۹۶-۷۷.
- doi: 10.22034/IAS.2005.125673
- فکوهی، ناصر (۱۴۰۰)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نی.
- کوپر، جی‌سی (۱۳۹۲)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات فرشاد.
- گروتر، یورگ کورت (۱۳۹۳)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه مجتبی دولت‌خواه و سولماز همتی، تهران، جامع هنر.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۷)، سنگ‌مزارها و کتیبه‌های تاریخی گرگان و استرآباد، تهران، حروفیه.
- مورفی، هوارد (۱۳۸۵)، «انسان‌شناسی هنر»، ترجمه هایده عبدالحسین‌زاده، فصلنامه خیال، شماره ۱۷، صص ۲۰-۶۹.
- هال، جیمز (۱۳۹۸)، فرهنگ‌نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- هونه‌گر، آلفرد (۱۳۹۵)، نمادها و نشانه‌ها، ترجمه علی صلح‌جو، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- Firth, R. (1973), Tikopia art and society, In the Anthropology of Art: A Reader, Edited by H. Morphy and Perkins, Oxford: Blackwell Publishing.
- Morphy, H (1989), "From Dull to Brilliant", The Aesthetics of Spiritual Power among the Yolngu, Man, 24(1), pp.21-40.
- Morphy, H. (1994), the anthropology of art. In Companion Encyclopedia of Anthropology. (Ed.) T. Ingold, London & New York: Routledge.
- Morphy, H. & Perkins, M. (2006), " The Anthropology of Art: A Reflection on its History and Contemporary Practice", In the Anthropology of Art: A Reader, Edited by H. Morphy & M. Perkins, Malden: Blackwell.